



## ▼ عادی‌سازی خشونت

فراوانی به‌کارگیری خشونت توسط نظم قضایی به‌عنوان عامل گسترش و عادی‌سازی خشونت از یک‌سو و به‌کارگیری خشونت و سرکوب به‌عنوان تنها عامل بقای نظم سیاسی که اعتبار خود را در جامعه رنگ باخته می‌انگارد، ارزیابی **سعید معیدفر**، **جامعه‌شناس و استاد بازنشسته دانشگاه** از عوامل و پیامدهای صدور چشمگیر احکام اعدام است. او در توضیح بیشتر به هم‌میهن می‌گوید: «یکی از دلایلی که صدور حکم اعدام در جامعه‌ای قابل‌توجه می‌شود، ولو اینکه هرگز اجرا نشود، ایجاد بازدارندگی نسبت به ارتکاب جرم یا وقوع اعتراض است. اگر این عامل بازدارنده در جای خود به کارگرفته شود، می‌تواند تأثیرگذار باشد. اما این نکته قابل تأمل است که وقتی یک سیستم قضایی از عامل تنبیه و سنگین‌ترین نوع مجازات یعنی اعدام به‌صورت فراوان استفاده کند به‌تدریج این مجازات بازدارندگی خود را از دست می‌دهد. اگر سالی یک‌بار، یک‌مورد اعدام وجود داشت این یک‌بار، می‌تواند افراد را نسبت به ارتکاب فعلی نادرست متنبه کند اما وقتی هر روز خبر اعدام مطرح شود، به‌تدریج این موضوع عادی‌سازی می‌شود و بازدارندگی مدنظر دستگاه قضایی کم‌کم کارکرد خود را از دست می‌دهد.» او اضافه می‌کند: «مسئله دیگر آن است که استمرار در صدور این نوع احکام، احساسات منفی نسبت به دستگاه قضایی در جامعه ایجاد می‌کند. وقتی در جامعه‌ای مداوم از عنصر خشونت استفاده شود، این عنصر می‌تواند در سایر بخش‌های جامعه نیز جاری شود. یعنی وقتی جامعه با خشونت مواجه شود به‌تدریج به خود اجازه می‌دهد که از این خشونت در جاهای دیگر مانند روابط خانوادگی، محل کار، روابط اجتماعی و حتی در ارتباط با ساختار سیاسی نیز به‌کار گیرد. پیامد دیگر صدور چنین احکام سنگین و خشنی، تعمیق یافتن امر خشونت در روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است.»

## ▼ استفاده از زور

سوال بسیار مهم در این بین آن است که در یک نگاه جامعه‌شناسی چرا سیستم قضایی در جامعه‌ای به این نقطه می‌رسد که حداقل در برخی محاکم آن، قضات به‌ویژه در مرحله بدوی به‌صورت قابل‌توجهی دست به صدور احکام اعدام می‌زنند، درحالی‌که بسیاری از آنها ممکن است در مرحله تجدیدنظر نقض شوند؟ سوالی که معیدفر در پاسخ به آن می‌گوید: «قطعاً وکلا و قضات تغییر نکرده‌اند. جامعه‌شناسان برای بقای یک نظم سیاسی ۴ عامل را مهم تلقی می‌کنند که مهم‌ترین عامل، نظام ارزشی و فرهنگ جامعه است. اگر جامعه‌ای خوب تربیت شده باشد و یک نظم سیاسی به‌خوبی توانسته باشد ارزش‌های خود را در جامعه گسترش داده و درونی کرده باشد، تقریباً می‌توان گفت جامعه مذکور در بالاترین سطح از ثبات اجتماعی و سیاسی قرار دارد. اما اگر ارزش‌های اخلاقی یا اجتماعی از طریق نظم سیاسی مذکور به‌خوبی نهادینه نشده باشد، درنهایت جامعه یکی از مهم‌ترین ارکان ثبات اجتماعی خود را از دست می‌دهد. عامل مهم بعدی «هنجارها و قوانین» هستند، یک نظم سیاسی، نظم مبتنی بر هنجارهاست که پس از نظام ارزش‌های اخلاقی قرار می‌گیرد. اگر در جامعه‌ای هنجارها و قوانین از استحکام لازم برخوردار باشند و اعتماد مردم نسبت به آنها بالا باشد، آن جامعه می‌تواند از ثبات سیاسی و اجتماعی برخوردار شود.» به گفته معیدفر، اگر در جامعه‌ای دو عامل سست شوند و مردم نسبت به ارزش‌های اخلاقی نظم و هنجارها و قوانین نظم سیاسی مذکور اعتماد خود را از دست دهند، آن نظم سیاسی برای بقای خود از دو عامل دیگر استفاده می‌کند؛ این دو عامل پول و زور هستند.» او ادامه می‌دهد: «نظم سیاسی مذکور تلاش می‌کند با تزیین پول و تأمین رفاه و امکانات برای جامعه، نشان دهد که از اقتدار و ثبات خاصی برخوردار است. جامعه‌شناسان می‌گویند در شرایطی که مردم به ارزش‌های اخلاقی، قوانین و هنجارهای یک نظم سیاسی بی‌اعتماد باشند، دیر یا زود عامل پول نیز تأثیرگذاری خود را از دست می‌دهد و نظام اقتصادی ساختار سیاسی مذکور بعد از مدتی نمی‌تواند ادامه یابد زیرا با محدودیت‌هایی مواجه است.» او معتقد است، از سال ۱۳۹۱ که شاهد افزایش تزیین پول در جامعه بودیم، پیش‌بینی می‌شد روزی تورم و بی‌کفایتی نظم اقتصادی به اوج خود برسد. امروز و در دو، سه‌سال اخیر تورم به‌شدت در جامعه افزایش یافته، اقتصاد تقریباً در شرایط فروپاشی است و عامل پول هم که برای بقای نظم سیاسی ضروری است، کارکرد خود را از دست داده یا به حداقل رسیده: «در چنین شرایطی که سه عامل دیگر کارکرد خود را از دست بدهند، عامل چهارمی که نظم سیاسی می‌تواند برای بقا بر آن تکیه کند، عامل «زور» است. به‌همین دلیل تلاش می‌کند که از حداکثر زور استفاده کند. قابل‌توجه بودن صدور احکام اعدام ممکن است اینگونه تلقی شود که تنها عامل بقای نظم سیاسی، زور است و نظم مذکور اعتبار خود را در حوزه ارزش‌های اخلاقی، هنجارها، قوانین و حتی اقتصاد در جامعه از دست داده است. بنابراین می‌توان گفت نظم سیاسی مذکور در بدترین شرایط خود به‌لحاظ ثبات اجتماعی و سیاسی قرار گرفته و به‌همین دلیل از حداکثر خشونت استفاده می‌کند.»



## امیرحسین جلالی‌ندوشن

روایت‌شک اجتماعی

از آمار انواع مجازات‌هایی که محاکم صادر می‌کنند بی‌اطلاعم و نمی‌دانم در واقعیت آمار، آیا مثلاً افزایشی در میزان اعمال مجازات‌های سخت مثل احکام اعدام، زندان‌های طولانی مدت و... رخ داده یا خیر، اما باز نمود رسانه‌ای به‌ویژه برداشت دست‌کم بخشی از افکار عمومی، دلالت بر شدت عمل و غلبه رویکرد تنبیهی بر اشتی‌جویی است. من روز پیشک هشتم و هیچ‌گونه ورودی به موضوع فلسفه احکام یا رویه کار دادگاه‌ها و مسائلی از این دست نمی‌کنم و در آن صلاحیتی ندارم. من صرفاً از منظر سلامت روانی اجتماعی به طرح موضوع می‌پردازم. بر خلاف باور نسبتاً مسلط که سلامت و سلامت روان را در معنای نبود بیماری درک می‌کند، هر دوی این پدیده‌ها واجد پیچیدگی‌های زیاد و متأثر از عوامل متعدد مستقیم و غیرمستقیم هستند، به‌عنوان نمونه، بُعد اجتماعی سلامت روان به‌میزان امن درک‌شدن جامعه‌نزد شهروندان، به پیش‌بینی‌پذیر بودن روندها و ثبات فضای اجتماعی بستگی دارد. باید تأکید کنم جامعه‌ای که در آن آرامش کامل وجود داشته باشد، نه موجود و نه مطلوب است. ناآرامی در حدی متعارف زمینه‌تحرک اجتماعی را فراهم می‌کند. اما اگر موضوع را از زاویه دیگری دنبال کنیم و ببینیم مثلاً پیامی که احکام قضایی مانند اعدام به جامعه می‌دهد، چگونه است و چه درک عمومی‌ای از جامعه ایجاد می‌کند موضوع می‌تواند روشن‌تر شود. ما انسان‌ها بیش از آنکه با واقعیت‌ها سروکار داشته باشیم، با تصورات‌مان از واقعیت و با باز نمود آن سروکار داریم. احکام تنبیه شدید به قصد ایمن کردن جامعه توسط قضات و براساس قوانین موضوعه که برگرفته از احکام شریعت است، تجویز می‌شود، اما وقتی حکم اعدام تنبیهی مکرراً در رسانه‌ها منتشر می‌شود، باز نمود آن می‌تواند تصویری از جامعه در شکل جامعه‌ای نامن، انتقام‌جو و احياناً بی‌ثبات و فاقد آرامش باشد، چراکه وقتی در جامعه‌ای برای برقراری نظم و ثبات لازم است مکرراً از شدیدترین احکام تنبیهی استفاده شود، ذهن آمیزد این‌گونه برآورد می‌کند که شرایط پیشینی حتماً یا به احتمال زیاد نامن و نامطمئن بوده است. ازسوی دیگر باید به این نکته تأکید کنیم که جامعه سالم، جامعه‌ای است که دستگاه قضایی آن اقتدار داشته و

## آگهی فقدان سند مالکیت

آقای نعمت قنبری فرزند موسی شش‌دانگ یک باب خانه تحت پلاک ۹۹ فرعی از ۳۳۱ اصلی به شماره سریال چاپی سند ۴۸۶۹۱۳ سری الف سال ۸۹ شماره دفتر جلد ۲۴ صفحه ۲۸۳ ذیل ثبت ۳۱۳۵ واقع در شهرستان جالدران قریه میرآبادیا ارائه یک استشهادهی گواهی امضای به شماره ۱۴۰۲/۱۵۳۴۳۰۵۱۵۳۵ مورخه ۱۴۰۲/۹/۲۹ کوهی دفترخانه اسناد رسمی شماره یک جالدران اعلام داشته که سند مالکیت خود را در اثر اسباب‌کشی مفقود شده و سپس از جست‌وجوی فراوان پیدا نشده. لذا مراتب برابر تبصره یک الحاقی به ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا هر کس مدعی مالکیت و یا وجود سند نزد خود باشد از تاریخ انتشار آگهی به مدت ده روز اعتراض کتبی خود را به اداره ثبت اسناد و املاک جالدران تسلیم و رسید دریافت نماید و در صورت سببری شدن مدت مقرر و عدم دریافت اعتراض برابر مقررات سند مالکیت منقضی صادر و تسلیم خواهد شد.

م الف: ۲۰۲ شناسه آگهی: ۱۶۵۹۴۶۱

کفیل ثبت اسناد جالدران - سلطانی

## هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۹۸۴/۲۶۰۳۹۹۰۲۰۵۱۴۰۲/۱۵/۰۹-۱۴۰۲/۱۵/۰۹ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک تاکستان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم علی نوری فرزند باقر به شماره شناسنامه ۳۰ صادره از بونین زهرا در شش‌دانگ یک قطعه باغ انگور به مساحت ۱۰۱۵/۵۳ مترمربع مفروز و مجزی‌شده از پلاک ۲ اصلی واقع در بخش ۸ حوزه ثبت ملک تاکستان موسوم به دیال‌آباد خریداری از مالک رسمی آقایان علامرضا بابا، ذبیح‌اله نوری، قربانعلی بابا و عبدالله نوری معزز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

شناسه آگهی: ۱۶۵۸۰۵۱

مسعود رحمانی

رئیس ثبت اسناد و املاک

## هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۹۸۳/۲۶۰۳۹۹۰۲۰۵۱۴۰۲/۱۵/۰۹-۱۴۰۲/۱۵/۰۹ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک تاکستان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم علی نوری فرزند باقر به شماره شناسنامه ۳۰ صادره از بونین زهرا در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۳۲۷/۱۷ مترمربع مفروز و مجزی‌شده از پلاک ۲ اصلی واقع در بخش ۸ حوزه ثبت ملک تاکستان موسوم به دیال‌آباد خریداری از مالک رسمی آقایان حسن نوری، نباطعلی بابا، ذبیح‌اله نوری، محمود نوری قاسم بابا، سیدجمال صدیقی‌فرد معزز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

شناسه آگهی: ۱۶۵۸۰۵۳

مسعود رحمانی

رئیس ثبت اسناد و املاک

## هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۹۸۴/۲۶۰۳۹۹۰۲۰۵۱۴۰۲/۱۵/۰۹-۱۴۰۲/۱۵/۰۹ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک تاکستان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم علی نوری فرزند باقر به شماره شناسنامه ۳۰ صادره از بونین زهرا در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۳۲۷/۱۷ مترمربع مفروز و مجزی‌شده از پلاک ۲ اصلی واقع در بخش ۸ حوزه ثبت ملک تاکستان موسوم به دیال‌آباد خریداری از مالک رسمی آقایان مظهر نوری و کریم بابا معزز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

شناسه آگهی: ۱۶۵۸۰۵۲

مسعود رحمانی

رئیس ثبت اسناد و املاک

## هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۹۸۵/۲۶۰۳۹۹۰۲۰۵۱۴۰۲/۱۵/۰۹-۱۴۰۲/۱۵/۰۹ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک تاکستان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم علی نوری فرزند باقر به شماره شناسنامه ۳۰ صادره از بونین زهرا در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۰۳۳/۱۹ مترمربع مفروز و مجزی‌شده از پلاک ۲ اصلی واقع در بخش ۸ حوزه ثبت ملک تاکستان موسوم به دیال‌آباد خریداری از مالک رسمی آقایان مظهر نوری و کریم بابا معزز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

شناسه آگهی: ۱۶۵۷۹۹۹

مسعود رحمانی

رئیس ثبت اسناد و املاک

۱۳

مهرمن

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲

سال دوم - شماره ۴۴۰

www.hamhianonline.ir

++++

# اولویت آشتی‌جویی بر مجازات



## گذشت نکند

علی مجتهدزاده، حقوقدان و وکیل دادگستری با تکنیک قائل‌شدن میان حکم قصاص و حکم اعدام به «هم‌میهن» می‌گوید: «حکم قصاص ریشه در شرع داشته و در قوانین هم پذیرفته شده است و نمی‌دانم موارد آن افزایش داشته‌است یا خیر، اما در بحث اعدام وضعیت فرق می‌کند.» او با اشاره به صدور احکام سالب حیات در پرونده‌های امنیتی می‌گوید: «متأسفانه جرم افسادفی‌الارض را داریم که بیشتر احکام اعدام به‌جز قصاص، بر مبنای این عنوان اتهامی صادر می‌شود. دست‌اندرکاران همانگونه که قانون موادمخدر را اصلاح کردند، بهتر است درخصوص افسادفی‌الارض هم اهتمام جدی داشته‌باشند. به‌عنوان مثال محسن شکاری بر مبنای محاربه و افسادفی‌الارض اعدام شد، در حالی‌که تنها یک فرد را زخمی کرده بود. این حکم جو روانی بسیار بدی را ایجاد کرد. چنین احکامی می‌توانند بی‌اعتبار شدن دستگاه قضایی و بی‌اعتمادی مردم را نسبت به این نهاد و نسبت به وجود عدالت در سیستم سیاسی و قضایی کشور به‌دنبال داشته‌باشند.» او صدور چنین احکامی را برای نظام قضایی خطرناک توصیف می‌کند: «یک دلیل اینکه این احکام به‌شدت موردتوجه قرار می‌گیرند، نبود شفافیت در دادگاه‌های انقلاب و در پرونده‌های امنیتی است. روانی که ما در دادگاه‌های انقلاب دیده‌ایم باعث شده تا حتی ما نیز به‌عنوان یک حقوقدان نتوانیم به احکامی که از شعب امنیتی یا همان شعب دادگاه‌های انقلاب صادر می‌شود، خوش‌بین باشیم زیرا شفافیت در این محاکم وجود نداشته و شیوه دادرسی در این دادگاه‌ها خاص است. ازطرف دیگر وکیل در مرحله دادرسی که مهم‌ترین مرحله تشکیل پرونده است، حضور ندارد، به‌همین دلیل مأمی دانیم که احکام صادرشده تا چه میزان بر مبنای حق، عدالت و انصاف بوده است.» متهم امنیتی نیز مانند هر متهم دیگری از حقوقی برخوردار است؛ نکته‌ای که مجتهدزاده بر آن تأکید می‌کند: «تفاوت اتهام بغی و افسادفی‌الارض در این است که بغی یعنی فردی که علیه حاکمیت اسلحه کشیده باشد، اما افسادفی‌الارض اندکی عام‌تر بوده و لازم نیست که حتماً علیه حاکمیت باشد، بلکه اگر علیه اشخاص باشد و دامنه فساد گسترده باشد، مشمول این جرم می‌شود. مهم این است که افسادفی‌الارض دست قضایی را برای صدور چنین احکامی بازگذاشته، درحالی‌که دست قضایی نباید برای صدور احکام سلب حیات به این میزان باز باشد.» او با انتقاد از تشکیل پرونده علیه یکی از خبرنگاران به‌دلیل ابراز ناراحتی از اجرای حکم اعدام چند نفر در روزهای اخیر هم می‌گوید: «به‌زعم ما حقوقدانان تا فردی دست به قتل زنده باشد، سیستم می‌تواند گذشت و احکام سبک‌تری صادر کند. وقتی اولیای دم در بسیاری از پرونده‌های قتل گذشت می‌کنند، عقل و تدبیر ایجاب می‌کند که سیستم هم اندکی گذشت نشان دهد. البته من از افرادی که به‌صورت سیستماتیک دست‌شان به خون افراد آغشته است حمایت نمی‌کنم. اما در افسادفی‌الارض مادی‌ها که فردی کشته‌شده باشد موضوع توبه‌محط است. زیرا در صورت وقوع قتل، هم ولی دم وجود دارد، هم نمی‌توان از سیستم خواست که گذشت کند.» مجتهدزاده معتقد است، صدور احکامی که صرفاً جنبه ارعایی داشته باشند، نهایتاً به مصلحت سیستم سیاسی و قضایی کشور نیست: «سیستم باید درباره چنین پرونده‌هایی انعطاف به خرج دهد. اما بسیاری از افرادی که با اتهام افساد فی‌الارض مواجه هستند، واقعاً عمل‌شان افساد فی‌الارض نبوده است. مثلاً پرونده محسن شکاری واقعاً از مصداق این اتهام نبود. حکم اعدام برای پسری جوان که در کافی‌شاپ کار می‌کرد و در شرایطی خاص به یک نفر چاقو هم‌زده بود اما قتلی رخ نداده بود، درست نبود.»

به باور این حقوقدان، نیاز نیست که سیستم در این موارد گذشت کند بلکه اگر قانون را درباره افراد به موقع اجرا گذارد، کافی است: «قضات امنیتی با نگاه خاصی حکم صادر می‌کنند و به‌همین دلیل باید به این قضات نظارتی ویژه شود.» این جمله را مجتهدزاده می‌گوید و ادامه می‌دهد: «خوشبختانه کاری که به‌تازگی انجام شده این است که پرونده‌های شعب بدوی و شعب تجدیدنظر پرونده‌های امنیتی را گسترده کرده‌اند و دیگر رسیدگی‌های این پرونده‌ها به یکی، دو کافی‌شاپ واگذار نمی‌شود. اینگونه که مشاهده کردم بسیاری از پرونده‌های جدید به شعب مختلف می‌روند که این مسئله اتفاقی خوب است. باید اجازه داده شود که این نوع پرونده‌ها با نگاهی قضایی مورد رسیدگی قرار گیرند. اما متأسفانه قضاتی که در شعب خاصی از دادگاه‌های انقلاب حضور دارند نگاه امنیتی دارند، نه نگاه قضایی. بسیاری از این پرونده‌ها اگر با نگاه صرفاً قضایی مورد رسیدگی قرار گیرد قطعاً فرجامی به‌جز اعدام خواهند داشت. قبلاً شعب تجدیدنظر دادگاه‌های انقلاب به شعب ۲۶ و ۵۴ محدود می‌شد اما امروز شعب دیگری هم به این پرونده‌ها رسیدگی می‌کنند.